

Analysis and Evaluation of Ethical Dilemmas of Deceptive Siblings in Digital Parenting

Hossein Rezaei*, Mehdi Fadaei**

Abstract

Digital parenting refers to parents' use of methods, strategies, and behaviors to educate, manage, and reform the digital consumption and virtual life of their children, as well as taking advantage of new educational opportunities through the emergence of digital technologies and online communications in the media and virtual space for raising children. This places parents in ethical dilemmas, making ethical decision-making difficult for them. One of these situations leads to the ethical dilemmas of "Deceptive siblings". In this situation, parents in managing and raising children in the virtual space, fall into the mistakes of independence and tyranny of opinion, negligence and coercion, authority and empowerment, self-esteem and pride, humility and humiliation. The correct method to overcome this challenge is to clarify the meaning of the correct side of fallacies such as independence, negligence, authority, self-esteem, and humility. This article uses an analysis method based on the foundations of Islamic ethics to analyze and evaluate the fallacy of deceptive siblings in digital parenting.

Keywords

Parenting, Digital Era, Ethical Dilemmas, Deceptive Siblings, Ethical Evaluation.

*Doctoral student of moral philosophy, University of Qom, Iran.
dr.hossein.rezaei110@gmail.com

** Assistant professor of Ethics and Education department, Bagher al-Uloom University, Qom, Iran (Responsible Author). fadaei.ac@gmail.com



تحلیل و ارزیابی دوراهی اخلاقی برادران دروغین در والدگری عصر دیجیتال

حسین رضایی*، مهدی فدایی**

چکیده

والدگری عصر دیجیتال (به معنای بهره‌گیری والدین از روش‌ها، راهبردها و رفتارهایی برای آموزش، مدیریت و اصلاح مصرف دیجیتال و زیست مجازی فرزندان و نیز استفاده از فرصت‌های جدید تربیتی به واسطه پیدایش فناوری‌های دیجیتال و ارتباطات برخط در بستر رسانه و فضای مجازی برای پرورش فرزندان)، والدین را در موقعیت‌های خطیر اخلاقی قرار می‌دهد و تصمیم‌گیری صحیح اخلاقی را برای آن‌ها سخت می‌کند. یکی از این وضعیت‌ها، ذیل دوراهه اخلاقی «برادران دروغین» رخ می‌دهد. در این وضعیت، والدین برای مدیریت و تربیت فرزند در بستر فضای مجازی، بین استقلال و استبداد رأی، تغافل و وادادگی، اقتدار و قدرت‌نمایی، عزت‌نفس و غرور، و تواضع و حقارت، دچار اشتباه می‌شوند. روش صحیح برای برون‌رفت از این وضعیت، رفع ابهام از معنای طرف صحیح مغالطه مانند استقلال، تغافل، اقتدار، عزت‌نفس و تواضع است. در این مقاله به روش تحلیل مبتنی

* دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشگاه قم، ایران.

dr.hosein.rezaei110@gmail.com

** استادیار گروه اخلاق و تربیت، دانشگاه باقرالعلوم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

fadaei.ac@gmail.com

تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۹/۲۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۷



بر مبنای اخلاق اسلامی به تحلیل و ارزیابی مغالطه برادران دروغین در والدگری عصر دیجیتال پرداخته می‌شود.

کلیدواژه‌ها

والدگری، عصر دیجیتال، دوره اخلاقی، برادران دروغین، ارزیابی اخلاقی.

مقدمه

فراگیری حضور رسانه^۱ و فضای مجازی^۲ در زندگی انسان عصر حاضر، آن را به محیط زیست دوم^۳ بیشتر افراد در جامعه مدرن تبدیل کرده است. برآوردها نشان می‌دهد در این میان، کودکان و نوجوانان در استفاده از فضای مجازی و تأثیرپذیری از آن با والدین خود متفاوت‌اند و به دلیل اینکه ادراک کاملی از مغایرت بین زندگی در جهان واقعی بیرونی و زیست مجازی ندارند، در مصرف رسانه و فضای مجازی، پذیرا تر و راحت تر عمل می‌کنند (طاهریان، ۱۳۹۶، ص ۴۳). در واقع، استفاده از فضای مجازی که برای نسل‌های گذشته به عنوان یک امکان مطرح بود، برای نسل امروز به یک ضرورت تبدیل شده است که نیازها و خواسته‌های آموزشی، ارتباطی و تفریحی خود را از طریق آن تأمین می‌کند. از سوی دیگر، افزایش بازی‌های رایانه‌ای و اینترنتی، رواج پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی، متداول شدن تولید و مشاهده محتوای چندرسانه‌ای و گسترش وبگاه‌های فروش کالا، محتوا و خدمات، علاوه بر مزایایی که به همراه دارد، زمینه‌ساز تهدیدهای جدی برای زیست مجازی^۴ فرزندان شده است.^۵ کاربری بی‌انضباط و هدایت نشده در فضای مجازی سبب بروز

1. Media

2. Cyberspace

3. Second Life

4. Virtual Life

۵. برای نمونه، تعداد مصرف‌کنندگان بازی‌های رایانه‌ای در کشور به میزان ۲۸ میلیون نفر در سال ۱۳۹۷

رسیده است که ۳۱ درصد آنان را کودکان زیر دوازده سال و ۳۶ درصد آنان را نوجوانان دوازده تا نوزده ساله ←





مشکلاتی مانند نقض حریم خصوصی، اعتماد به فضای مجازی، تحریک‌های غیرطبیعی (اضطراب، افسردگی، خشم و استرس) ناشی از مشاهده تبلیغات و محتواهای نامناسب، اختلال در تنظیم خواب، کاهش تمرکز، احساس ناامنی، نداشتن اعتماد به نفس، بلوغ زودرس، ناخشنودی از جنسیت و نپذیرفتن نقش جنسیتی می‌گردد و به‌طور کلی، تأثیرات سوء بر سلامت جسمی و روانی فرزندان در حال آینده آن‌ها خواهد گذاشت (علی اکبری و نصیری زرنیدی، ۱۳۹۸، ۶۸).

از میان الگوهای مدیریت زیست مجازی کودکان و نوجوانان، جایگاه خانواده به‌عنوان اساسی‌ترین نهاد اجتماعی و نقش والدین به‌عنوان اثرگذارترین افراد در تربیت اخلاقی و شکل‌دهی به شخصیت و سبک زندگی فرزندان، متناسب با هنجارهای فکری، فرهنگی و دینی، بسیار برجسته و مهم است. والدگری در عصر دیجیتال نیازمند دانش و آگاهی کافی درباره فضای مجازی و روش‌های مدیریت آن است (بهادری خسروشاهی و برقی، ۱۳۹۷، ص ۲۸۴). والدگری دیجیتال^۱ با استفاده از شیوه‌های کنترل‌گری والدین^۲ به‌عنوان یکی از کارآمدترین الگوهای مدیریت زیست مجازی فرزندان نقش بسزایی در تربیت فرزندان دارد و اخلاق به‌عنوان یک برنامه پیشگیری و درمان رفتار می‌تواند به کنترل سالم و کارآمد کمک کند.

یکی از مسائل اخلاقی که والدین در مدیریت و کنترل‌گری فرزندان خود در فضای مجازی با آن مواجه‌اند، دوره اخلاقی «برادران دروغین» است. برادران دروغین در مکتب دانشمندان ایران باستان، تعبیری اخلاقی است که در آن رذایلی

→ تشکیل می‌دهند (نقل از: سیدحسینی (مدیرعامل بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای)، قابل دسترسی در <https://www.ircg.ir/fa/news/4496>، ۷ شهریور ۱۴۰۲). همچنین، ۷۰ درصد مردم ایران حداقل از یکی از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنند (مطابق نظرسنجی ملی مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران (ایسپا) که در روزهای هفدهم و هجدهم تیر ۱۳۹۸ به صورت تلفنی و با جامعه آماری شهروندان کل کشور (اعم از شهر و روستا) انجام شده است) (قابل دسترسی در: <http://ispa.ir/Default/Details/fa/2094/70>، ۷ شهریور ۱۴۰۲).

1. Digital Parenting
2. Parental Control

که به بعضی از فضایل شباهت گمراه کننده‌ای دارند، بررسی می‌شوند؛ به طور مثال، اسراف، برادر دروغین بخشش است. (تفضلی، ۱۳۷۷، ص ۱۸۵). مرز میان این دست از فضایل و رذایل بسیار باریک است؛ مانند مرز بین عزت نفس و تکبر، حقارت و تواضع، استقلال و استبداد رأی، اقتدار و قدرت‌نمایی، تغافل و بی‌اعتنایی، انعطاف‌پذیری و تسامح منفی، قناعت و بخل، بخشش و اسراف، سیاست و دنیاپرستی، شجاعت و بی‌باکی، زهد و ترک دنیا، و عفت و تعطیل کردن غرایز. لذا ضابطه‌ها و معیارها را باید شناخت تا مرزها نیز شناخته شوند.

والد در موقعیت کنترل‌گری فضای مجازی فرزند خویش، دچار ابهام می‌شود و نمی‌تواند با قاطعیت، تصمیم درستی بگیرد. به دیگر سخن، والد هنگام کنترل فرزند خویش در فضای مجازی، در دوره‌ای برادران دروغین، گاهی با اعمال حساسیت اخلاقی می‌کوشد صفت و فضیلت مدنظر را فراهم کند؛ اما ناخودآگاه در دامن صفت برادر رذیله می‌گلتد و گاهی از ترس گرفتارنشدن به صفت رذیله، صفت برادر فضیلت را از دست می‌دهد. بنابراین، چنین صفاتی باید دقیق و درست معنا شوند تا فاعل اخلاقی بتواند به صفت خوب آراسته شود و از صفت بد دوری کند.

در این مقاله، بر آنیم ضمن شمردن مهم‌ترین مصادیق مسئله «برادران دروغین» در موقعیت کنترل‌گری زیست مجازی فرزندان از سوی والدین، با تبیین دقیق معنای درست آن صفت، احتمال بروز این خطای اخلاقی را کاهش دهیم؛ از این رو، پرسش اصلی در این تحقیق که به روش توصیفی تحلیلی و براساس اسناد کتابخانه‌ای پردازش می‌شود، چنین است: مصادیق دوره‌ای اخلاقی برادران دروغین در والدگری عصر دیجیتال کدام است؟

۱. مفاهیم مؤثر در مسئله

ذیل مفهوم‌شناسی، دو مفهوم در حل مسئله مؤثر است که در ادامه بررسی می‌شوند.



۱.۱. والدگری عصر دیجیتال

والدگری اصطلاحی دقیق‌تر و علمی‌تر برای تربیت کودک یا همان فرزندپروری است که مسئولیت پرورش فرزندان را بلامنازع به والدین واگذار می‌کند. والدین (پدر و مادر)، مسئولیت اصلی پرورش اخلاقی و عاطفی کودکان و نوجوانان را بر عهده دارند؛ لذا نقش مهم و بی‌بدیلی در تربیت اجتماعی و تأمین سلامت روانی کودکان ایفا می‌کنند؛ چراکه شخصیت فرزندان در خانواده شکل می‌گیرد و سلامت آن‌ها به میزان زیادی تحت تأثیر تعامل با والدینشان قرار دارد (Vafaenajar et al., 2015, p. 307). به‌طور کلی، دو معنا برای والدگری دیجیتال می‌توان ارائه کرد:

- بهره‌گیری والدین از روش‌ها، راهبردها و رفتارهایی برای آموزش، مدیریت و اصلاح مصرف دیجیتال و زیست مجازی فرزندان؛
 - استفاده از فرصت‌های جدید تربیتی به‌واسطهٔ پیدایش فناوری‌های دیجیتال و ارتباطات برخط در بستر رسانه و فضای مجازی برای پرورش فرزندان.
- معنای نخست، معنای متداول‌تر والدگری عصر دیجیتال است که در آن تمرکز روی مدیریت زیست مجازی است؛ اما در معنای دوم، با هدف کلی‌تر (یعنی والدگری مؤثر و متناسب با ذائقهٔ کودک و نوجوان امروز) از قابلیت‌های رسانه و فضای مجازی استفاده می‌شود. از آنجا که ما در این مقاله به‌دنبال تحلیل مسائل والدین در مدیریت و کنترل‌گری فرزندان در فضای مجازی هستیم، معنای اول والدگری متناسب‌تر است؛ هرچند به معنای دوم بی‌توجه نیستیم.

۲.۲. دوراههٔ اخلاقی

یکی از موضوعات اصلی علم اخلاق شناسایی و یافتن راه برون‌رفت از معضلات اخلاقی برای ارائهٔ راهنمای عمل به فاعلی اخلاقی است. اندیشمندان اخلاق کاربردی برای تصمیم‌گیری اخلاقی در چنین مسائلی باید جوانب متعددی را ارزیابی و بررسی کنند. در این تحقیق، مختار نویسنده از مفهوم مسئلهٔ اخلاقی، مفهومی اعم





از تعارضات اخلاقی و آسیب‌های اخلاقی است. در واقع، هر آنچه معضل اخلاقی به شمار آید، مورد بحث خواهد بود. در فرایند والدگری دیجیتال، والدین با گونه‌های متعددی از مسائل اخلاقی روبه‌رو می‌شوند که ناشی از ابهام در موضوع و معیار حکم اخلاقی، تعارض اخلاقی و آسیب‌های واقع‌شده اخلاقی هستند. اما آنچه مراد ما از مسئله اخلاقی است، بخش مسئله نظری و تعارض اخلاقی است نه آسیب‌های اخلاقی؛ لذا از تعبیر دوراهه اخلاقی استفاده شده است.

۳. تبیین مصادیق برادران دروغین در مسئله

در ادامه، مصادیق دوراهه اخلاقی برادران دروغین در موقعیت والدگری عصر دیجیتال بررسی می‌شود.

۳.۱. برادران دروغین استقلال و استبداد رأی

والدگری مستبدانه^۱ عاملی مؤثر در مشکلات نوجوانان (به‌ویژه پسران) است و در این میان، رشد قضاوت‌های اخلاقی، نقش میانجی را در والدگری مستبدانه و مشکلات نوجوانان بازی می‌کند (مستقیمی، شهریاری و امیری، ۱۴۰۱، ص ۴).

پیچیدگی‌های خاص قضاوت رفتارهای فرزندان گاهی برای والدین به‌عنوان داوران ماجراها و اختلافات هر روز فرزندان با آن‌ها و با یکدیگر، از نظر حفظ

۱. در این سبک، والدین از نظر کنترل‌گری اجباری، محدودکننده، متوقع، صریح و تنبیه‌کننده هستند و محبت و مهرورزی به‌ندرت اتفاق می‌افتد. این درحالی است که میزان پذیرش و سطح روابط کلامی با فرزندان، پاسخ‌دهی به نیازهای آن‌ها و استقلال‌دهی به آن‌ها کم است. والدین مستبد، برای فرزندان محدودیت و کنترل شدید وضع می‌کنند و فرزندان را وادار می‌کنند بدون آگاهی از دلایل پشت قوانین، از آن‌ها اطاعت کنند. غالباً برای کسب اطمینان از فرمان‌پذیری از شیوه‌های القای ترس استفاده کرده، مطیع‌نودن را بی‌احترامی تلقی می‌کنند و با تنبیه (عاطفی و جسمانی) و اعمال زور پاسخ می‌گویند. بارزترین خصیصه این سبک والدگری، قدرت‌نمایی والدین است که سبب می‌شود انتظار فرمان‌بری بی‌چون‌وچرا و در لحظه را داشته باشند. خروجی سبک والدگری مستبدانه، فرزندان است که اغلب از حیث اخلاقی، رفتارهای نادرست انجام می‌دهند. در میدان‌های اجتماعی، منزوی و کم‌جرت هستند و آسیب‌پذیر و تحریک‌پذیر رفتار می‌کنند. در موقعیت‌های اجتماعی و مخصوصاً رقابتی، مضطرب، ناامید، کم‌همت، ترسو و کم‌جرت یا عصبی و پرخاشگر ظاهر می‌شوند.

استقلال در داوری و نگرانی از دچار شدن به استبداد رأی، دغدغه جدی به همراه دارد؛ زیرا این احتمال وجود دارد که والدین برای حفظ استقلال نظر، به دلیل ضعف شناختی، مرتکب استبداد رأی شوند و از این رو، نیاز است که تمایز و تفاوت ماهیت این دو آشکار گردد.

واژه «استقلال» در زبان پارسی به معنای «خود به کاری استادن، بدون شرکت دیگری» است. (پادشاه، ۱۳۳۵، ص ۲۷۴). استقلال قاضی (والدین) به معنی در نفوذ طرفین نبودن و توانایی تصمیم‌گیری و صدور آزادانه حکم (توکلی، ۱۳۹۵، ص ۲۱۲) در دایره قوانین و تحلیل منطقی خود از داده‌های به دست آمده است که فاقد تأثیر و تأثر از هرگونه نفوذ فشار بیرونی و درونی است (اباذری فومشی، ۱۳۹۲، ص ۵۴۶).

استقلال اعم از بی‌طرفی است. اصطلاح بی‌طرفی در قضاوت غالباً بنابر دو قطبی طرفین دعوی استعمال می‌شود؛ اما دامنه استقلال در رأی فراتر از این دو قطبی تصویر می‌شود و قطب‌های دیگر مانند تأثیرات افراد دیگر یا کشش‌های درونی خود فرد را نیز شامل می‌شود. برادر دروغین استقلال، استبداد است. استبداد در معنای حقیقی خود به معنی انفراد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۱۵) و به تنهایی انجام دادن کاری است و از این حیث، با استقلال مترادف است و به قبح فاعلی حمل نمی‌شود؛ اما معنای مجازی آن غلبه امری است، به شکلی که خویش دیگر جلو دار آن نباشد و نوعی خودکامگی و افسارگسیختگی در گرایش‌ها و تمایلات را می‌رساند. بنابراین، وجه مشترک معنای این دو واژه و صفت، به تنهایی انجام دادن کار و وابسته نبودن به دیگران است و به همین دلیل، این دو وصف را برادر نامیده‌اند؛ اما وجه تمایز آن‌ها در این است که استقلال، اغلب به جنبه وابستگی نداشتن به دیگران و استبداد به جنبه بی‌اعتنایی به آرا و منافع دیگران توجه دارد (دهخدا، ۱۳۸۵، ج ۱: ص ۱۹۲). در نتیجه، معنی استعمالی معاصر از واژه استبداد، آن را از استقلال متمایز و قبح فاعلی را متبادر می‌کند.



داشتن استقلال، لازمه داوری عادلانه است؛ بنابراین، زمانی می‌توان گفت داوری عادلانه صورت پذیرفته است که عاری از کشش‌های درونی و بیرونی، با ملاحظه بی‌طرفی باشد. البته داوری والدین درباره زیست مجازی فرزندان غالباً به چگونگی رفتار آن‌ها در مواجهه با قوانین و قراردادهای مورد توافق قبلی در حوزه مصرف دیجیتال محدود است. قضاوت هنگامی لازم می‌آید که والدین احساس می‌کنند قوانین به خوبی اجرا نشده است و فرزندان هم زمانی به اعتراض لب می‌کشند که قوانین، اختیارات یا امکانات خود را در زیست مجازی مناسب شرایط خود نمی‌بینند. گاهی داوری، به سبب نبودن یا ناکافی بودن اطلاعات کمی و کیفی و گاهی به سبب دارایی‌های علمی نامرتب، دچار آفت استبداد می‌شود. گاهی نیز بی‌توجهی به معیارهای فراطبیعی سبب بروز رفتار و حکم استبدادی می‌شود (جوهری، عبدی و مشائی، ۱۳۹۹، ص ۴۰۹).

برای نمونه، گاهی موقعیت‌هایی پیش می‌آید که والدین باید در خانواده تصمیم بگیرند که در یک زمان خاص کدام فرزند از ابزار رسانه متعلق به کل اعضای خانه استفاده شخصی کند یا یکی از فرزندان دسترسی به ابزار رسانه یا محتوایی را دارد اما فرزند دیگر چنین امکانی را ندارد. مشکلی که والدین با آن روبه‌رو می‌شوند این است که پاسخ فرزند معترض را چگونه بدهند؟ والدین از یک سو، نگران این هستند که اعمال نظرشان متصف به استبداد و خودرأیی نگردد و از سوی دیگر، می‌خواهند در تصمیم‌گیری استقلال داشته باشند؛ به‌طور مثال، ممکن است دغدغه والدین این باشد که به خاطر کشش‌های درونی، فرزندی را که محبوبیت بیشتری دارد یا کوچک‌تر است، مستبدانه از مصرف دیجیتال بهره‌مند نکنند یا چون خطای گذشته فرزندی، آنان را ناراحت کرده است، او را از این بهره‌مندی محروم نکنند. در عین حال، نگران این هستند که فرزندی که اصرار و لجبازی بیشتری می‌کند، با ایجاد کشش‌های بیرونی برای گرفتن مجوز استفاده از ابزار رسانه و اینترنت، آن‌ها را در تصمیم‌گیری مستقلشان گمراه نسازد.





توجه به نیازهای احساسی و عاطفی فرزندان امری انکارناپذیر است؛ اما دخالت دادن احساسات و عواطف و داوری در شرایط هوش هیجانی ممکن است نوعی داوری مستبدانه در پی داشته باشد. با فعال شدن هوش هیجانی، بخشی از داده‌ها و اطلاعات کنار گذاشته می‌شود و در مقابل، بخش دیگری از آن‌ها، نقش فعال‌تری بر عهده می‌گیرند. با ورود هوش هیجانی، فرایند الگوریتم دریافت، تحلیل و نتیجه‌گیری داده‌ها، نظم خود را از دست می‌دهد و شاهد زایشی نارس، زود هنگام و استبدادی خواهد بود (جواهری، عبدی و مشائی، ۱۳۹۹، ص ۴۰۹). ارتقای آستانه هوش هیجانی و مهار آن که در ادبیات دین از آن به «سعه صدر»^۱ تعبیر می‌شود، یک مهارت ضروری برای والدین در تصمیم‌گیری و داوری توأم با استقلال است.

۳.۲. برادران دروغین تغافل و وادادگی

تغافل در لغت به معنای نادیده‌انگاشتن، چشم‌پوشی عمدی و خود را به غفلت زدن است. (واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۵: ص ۵۴۷-۵۴۸). در نگاه علم اخلاق، تغافل با معنای لغوی آن یکسان است؛ یعنی انسان در برابر برخی از اشتباهات دیگران تغافل و چشم‌پوشی کند و خود را به غفلت بزند. البته تغافل اغلب درباره آن دسته از خطاها و اشتباهاتی است که یا سهوی و غیراختیاری و از روی اضطرار هستند یا از نوع خطاهایی هستند که هنوز به مرز جرم و گناه سنگین و وارد کردن آسیب جدی به خود یا دیگران نرسیده‌اند. در چنین مواقعی، چشم‌پوشی و خود را به ندیدن زدن در برابر این نوع از خطاها و اشتباهات فرزندان، حتی از عفو و گذشت نیز لطیف‌تر و سازنده‌تر است.

وادادگی به معنای مدهانه و تساهل منفی و بی‌اعتنایی، برادر دروغین تغافل است. اگر والدین ببینند ارزش‌ها در حال پایمال شدن است و آن را نادیده بگیرند، امری

۱. سعه صدر، مجاز از افزایش دادن آستانه صبر و تحمل است.

غیراخلاقی است و باید متوجه باشند و به فرزندان نیز تذکر و توجه بدهند. سبک والدگری طردکننده و بی‌اعتنا، بدترین سبک والدگری و در واقع به نوعی نقض والدگری و سلب مسئولیت از آن است؛ بنابراین، تغافل به معنای دست روی دست گذاشتن و کاری نکردن نیست، بلکه خود نوعی مداخله‌گری محسوب می‌شود.

تغافل به جا و صحیح، نوعی انعطاف‌پذیری ضروری در امر تربیت است که در آن والدین در حال تفکر، چاره‌جویی، پرهیز از اقدام شتاب‌زده، فرصت‌دهی به فرزند برای مدیریت فکر و هیجان خویش و مهم‌تر از همه، اجازه‌دادن آگاهانه، تحت نظارت و کنترل‌شده برای اشتباه کردن به فرزند هستند. دادن چنین میدانی به فرزند که به نظر می‌رسد سخت‌ترین قسمت والدگری (مخصوصاً برای مادر) است، به وی فرصت تجربه کردن، خودکنترلی، درونی کردن اخلاقیات و ارزش‌ها و در نظر گرفتن خدا به عنوان ناظر آرمانی می‌دهد.

در نگاه دینی، تغافل صحیح، مشروط به چند شرط مهم است: یکم، تفکیک میان رفتارهای کوچک و بزرگ؛ دوم، حفظ آبروی دیگران؛ سوم، ملاحظه نرسیدن طرف تجاهل به مرحله تجری.



در وضعیتی که فرزند با عضویت در کانال‌های تلگرامی به تماشای کلیپ‌های پورن عادت کرده و تجاهل مادر یا پدر در این مسئله وی را جری‌تر کرده است،



به دلیل تأثیر به شدت مخرب این فیلم‌ها، جایی برای تجاهل باقی نمی‌ماند و تجاهل والدین در اینجا مصداق واقعی وادادگی است.

البته، حب و بغض یا عشق و نفرت می‌تواند تصمیم‌گیری فاعل اخلاقی را دچار جهت‌گیری کند. پیش‌فرض تحقق حد تغافل صحیح، دخالت‌ندادن تمایلات مثبت و منفی در قضاوت است. هر حب و بغضی، انگیزه و اراده فاعل اخلاقی را به جهت خاصی سوق می‌دهد. در والدگری، اگرچه ممکن است گاهی والدین از فرزند خود ناراحت باشند، در بیشتر اوقات، علاقه شدید به فرزند سبب می‌شود نتوانند درک درستی از موقعیت فرزندشان داشته باشند.

آن‌ها باید این مهارت را کسب کنند که در لحظه تصمیم‌گیری، نفس خود را معلق قرار دهند و سپس به بررسی موقعیت فرزندشان پردازد. این امر ممکن است قدری سخت باشد، مخصوصاً در موقعیت‌هایی که احساسات والدین (به‌ویژه مادر) تحریک می‌شود. مادری را تصور کنید که فرزند خردسالش برای انجام یک بازی برخط، از او تلفن همراه می‌خواهد. مادر می‌داند دادن گوشی همراه با اینترنت روشن به کودک اشتباه است، اما ممکن است بر اثر محبت شدیدی که به فرزندش دارد، دچار انفعال و وادادگی شود.

۳.۳. برادران دروغین اقتدار و قدرت‌نمایی

اقتدار به معنی زیستن فرد با توانمندی‌های ذاتی یا اکتسابی خویش است. مقتدر بودن به کسی جز خود فرد ارتباطی ندارد و فرد مقتدر در پی کنترل و اعمال سلطه بر دیگران نیست، بلکه تنها در راه رشد و کمال خویش و زندگی سالم خود و ایجاد و ادامه روابط سالم و برابر با دیگران تلاش می‌کند. او در پی اثبات خود یا توانایی‌های خود به دیگران نیست. جهان و زندگی برای این‌گونه افراد، میدان رسیدن به هماهنگی و اعتدال درونی و حفظ روابط درست است. اقتدار والدین، از شرایط اساسی موفقیت هر خانواده است؛ زیرا باعث رشد و تکامل فرزندان، ایجاد نظم در



محیط خانواده، برقراری آرامش در روابط، حفظ امنیت و جلوگیری از تهدیدها و آسیب‌های برون‌خانوادگی می‌شود.

قدرت‌نمایی، برادر دروغین اقتدار است. برای فهم معنای قدرت‌نمایی ابتدا باید معنای قدرت شناخته شود. قدرت، یک کیفیت نفسانی است که منشأ انجام کاری یا ترک آن خواهد شد؛ یعنی برای او امکان اقدام به کاری یا ترک آن به‌طور مساوی وجود دارد (صدرالدین شیرازی، ۱۳۶۳، ص ۲۶۸). اما قدرت‌نمایی تا حد زیادی بار منفی دارد و به معنی اعمال قدرت و سلطه بر دیگران است. آن کسی که قدرت‌مدار و قدرت‌نماست، در پی کنترل دیگران، امرونی کردن، اثبات برتری خویش و بعضاً استفاده ابزاری از دیگران است. برای چنین کسانی، زندگی و جهان، میدان جنگ و ستیز بر سر اثبات توانایی‌هاست، حتی اگر این توان غیرانسانی باشد. حکیم ترمذی در کتاب *الفروق* قدرت‌نمایی را از آن عامل انسانی دارای جهل می‌داند که با توجه به توانایی‌ای که دارد، قصد تملک بر غیر را دارد و به آن‌ها زور می‌گوید (حکیم ترمذی، ۱۴۰۲، ص ۳۰۴).

از نگاه فرزندان، والدین از دو قابلیت بهره‌مند هستند که تجربه زیسته فرزندان مخصوصاً کودکان به آن‌ها اثبات کرده که آن‌ها یا تقریباً از آن بی‌بهره‌اند یا دست‌کم به اندازه والدین، آن قابلیت‌ها را ندارند. این دو قابلیت، قدرت و اقتدار هستند. فرزند ابتدا قدرت والدین و سپس اقتدار آن‌ها را درک می‌کند. از دیدگاه فرزند، قدرت به معنای کارهایی است که والدین توان انجام آن را دارند و البته بیشتر به توانایی‌های بیرونی اشاره دارد و اقتدار به معنای نفوذ معنوی والدین در زندگی فرزند و برخی از افراد جامعه است؛ به این شکل که وقتی والدین اراده خود را بیان می‌کنند، می‌توانند بدون اعمال قدرت بیرونی، دیگران را تابع خود کنند. به تعبیر دیگر، اقتدار مقوله‌ای باطنی و قدرت مقوله‌ای ظاهری است. اقتدار وابسته به چیزها و متکی به اسباب شخص نیست و انسان مقتدر، رها از داشته‌هاست؛ ولی در قدرت چنین نیست و اگر اسباب و علل آن از بین برود، قدرت نیز زایل خواهد شد. برای



فرزندان اقتدار خوشایند است؛ زیرا اقتدار، مبتنی بر رضایت، احترام و محبوبیت است؛ اما قدرت و قدرت‌نمایی اغلب بر زور استوار است و ایجاد ناراحتی و نارضایتی می‌کند.

نکته مهم در اقتدار والدین این است که اگر والدین مقتدر از قدرتشان زیاد استفاده کنند از اقتدار آن‌ها کاسته می‌شود و در صورت زیاده‌روی ممکن است اقتدارشان به‌طور کامل از بین برود؛ بنابراین، والدین در والدگری مطلوب تا می‌توانند باید از اقتدارشان استفاده کنند نه از قدرتشان.

متأسفانه، بسیاری از رفتارهای والدین تا حد زیادی بر تشویق به بهره‌گیری از قدرت استوار است تا اینکه به او شیوه‌ها کسب اقتدار آموزش داده شود؛ به‌طور مثال، فرزند در امور مختلف مانند مسائل آموزشی یا مهارت‌های دیجیتالی و یا ورزشی بیشتر با دیگران مقایسه می‌شود نه با خودش و پیشرفت‌هایش در آن زمینه. یکی از عواقب چنین روش والدگری این است که فرزندان، والدین خود (به‌ویژه پدر) را رئیسی پر قدرت می‌بینند که به آن‌ها زور می‌گوید و از او الگوبرداری می‌کنند؛ آن‌ها نیز به محض اینکه مجال ریاست و زورگویی بیابند، به زیردستان خود زور می‌گویند و حتی ممکن است در نوجوانی در غیاب پدر سلطه‌جو، در برابر مادر قدرت‌نمایی کنند.

افزون بر استبداد در داوری، نوع دیگری از استبداد خطرناک و آسیب‌زننده نیز وجود دارد که استبداد در تعلیم و تربیت است. استبداد در تعلیم و تربیت به این معناست که فرزندان، قدرت والدین را (به‌عنوان صاحب نظر و عقیده) به‌جای دلیل و استدلال ایشان قبول کنند (ملکیان، ۱۳۹۷). به‌عبارت‌دیگر، علت پذیرش نظر والدین، استدلال منطقی و اقناع‌کننده آن‌ها نباشد، بلکه قدرت داشتن والدین را به‌عنوان دلیل حرف‌شنوی خود معرفی کنند. صرف نگاه دلیل‌بودگی به قدرت نشانه استبداد است. این اتفاق خواه خودآگاه باشد، خواه ناخودآگاه، موجب الگوگیری نادرست فرزندان و آموزش اخلاقی غلط به آنان می‌شود.





۳.۴. برادران دروغین عزت نفس و غرور

عزت نفس^۱ به معنای گرامی داشتن جایگاه نفس است. عزت نفس در اصطلاح، به معنای ارزشی است که یک فرد برای خود قائل است. به بیان دیگر، عزت نفس، نگرش مثبت به خویشتن و حس درونی احترام و ارزشمندی است که شخص در خلوت و تنهایی، درباره خود دارد. این نگرش سبب نفوذناپذیری روابط می شود و اجازه نمی دهد دیگران با نفوذ در وی به این احساس ارزشمندی لطمه وارد کنند و خود نیز به کاری که در شأن وی نباشد دست نمی زند. اعتماد به نفس^۲، حس شخص به میزان توانایی و مهارت هایش در انجام امور مختلف است. قوی بودن این حس در هر حیطه ای باعث می شود اعتماد به نفس فرد در همان حیطه بیشتر شود. افرادی که دارای عزت نفس قوی یا معقولی هستند، نیاز ندارند از طرف افراد دیگر تأیید شوند یا رفتاری انجام دهند که توجه اطرافیان را به خود جلب کنند.

برادر دروغین عزت نفس، غرور است. غرور با عُجب^۳ و تکبر^۴ (خودبزرگ بینی) متفاوت است. البته غرور گاهی به عجب نیز منجر می شود. غرور یعنی آدمی به خاطر کمالی که در خود می بیند، خود را بزرگ شمارد؛ خواه آن کمال در واقع وجود داشته باشد یا نه. برخلاف متکبر که خود را نسبت به دیگران بزرگ تر می بیند، در غرور، پای دیگری در میان نیست. غرور، احساس غلط یا خودپنداره اشتباهی است که یک فرد درباره خود و توانایی های خود دارد. فرد مغرور در روابط خود، از شخص مقابل، انتظار اطاعت و فرمان پذیری و احترام دارد.

۱. در دین اسلام منظور از کرامت نفس، احترام نفس یا شرافت نفس همان عزت نفس است.

۲. عزت نفس (Self-Esteem) و اعتماد به نفس (Self-Confidence) دو مفهوم نزدیک اما مغایر هستند.

اعتماد به نفس به معنای احساس توانمندی است و سبب رشد عزت نفس و احساس ارزشمندی می شود.

۳. عُجب به این معناست که انسان از مجموع داشته ها و دارایی های خود به طور کلی یا در موارد خاص، رضایت داشته باشد و احساس کند به آنچه می خواسته رسیده است و بدون مقایسه خود با دیگری، از خودش راضی باشد.

۴. تکبر یعنی آدمی خود را به خاطر کمالی که در خود می بیند، نسبت به دیگران بزرگ شمارد؛ خواه آن کمال را داشته باشد یا نداشته باشد و خواه آن صفتی را که دارد و به آن می بالد فی الواقع هم کمال باشد یا نه.

تصور کنید در یک مهمانی که بزرگان فامیل جمع هستند، کودک از پدر خود می‌خواهد وی را در انجام یک بازی ویدئویی یا تماشای یک پویانمایی کودکانه همراهی کند. پدر در مقام تصمیم‌گیری و پاسخ به کودک خویش دچار تردید می‌شود؛ از یک سو، به دلیل حفظ عزت‌نفس خود این کار را در شأن خود نمی‌بیند (مخصوصاً در چنین جمعی) و می‌خواهد به او پاسخ رد بدهد و از سوی دیگر، این استدلال به ذهن او می‌رسد که با کودک باید متناسب با او کودکانه رفتار کرد و احتمال می‌دهد پاسخ منفی دادن از سرِ غرور باشد.

۵.۳. برادران دروغین تواضع و حقارت

تواضع یعنی شکست نفسی که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند و لازمه آن، رفتار و گفتاری است که دلالت بر احترام دیگران می‌کند (نراقی، ۱۳۹۲، ص ۳۰۰). در تواضع، دیگران محترم شمرده می‌شوند؛ ولی در برادر دروغین آن یعنی حقارت، شخص در توانمندی‌های خود تردید دارد و دچار خودکم‌بینی است. تواضع یک فعل ارادی و انتخاب آگاهانه و نیز نشانه شخصیت و کمال فرد است؛ اما حقارت یک انفعال نفسانی، احساس ضعف و عقب‌نشینی غیراختیاری است. هر دو صفت دارای درجه و شدت و ضعف هستند. تواضع مانند دیگر صفات اخلاقی نیکو دارای دو طرف افراط و تفریط ناپسند است. تواضع در این رویکرد، همان کوچکی کردن بدون پذیرش ذلت است و حد وسط دو صفت تکبرورزی و خودبزرگ‌بینی (حد افراط) و پذیرش ذلت و پستی (حد تفریط) شمرده می‌شود. کسی که به دنبال برتری جویی و پشت سر انداختن دیگران است، متکبر است؛ ولی کسی که خود را بعد از آن‌ها قرار دهد، متواضع است. نکته‌ای که در تواضع کردن اهمیت دارد، توجه به این مطلب است که تواضع در جایی امکان دارد که شخص با دیگری در حیثیتی خاص تقریباً هم‌سطح باشند. در غیر این صورت، اگر فرد مقابل در آن حیثیت خاص بالاتر یا پایین‌تر باشد تواضع معنایی ندارد؛ زیرا



اگر آن فرد بالاتر باشد، احترام او لازم است و مشخص است که مقدم است و اگر پایین تر باشد، سزاوار محبت است. در حالت دوم که مدنظر ماست، فرد باید مراقب باشد به نام تواضع، خود را دچار برادر دروغین آن یعنی حقارت نکند. فیض کاشانی در این باره می گوید: «اگر پاره دوزی بر دانشمند بزرگی وارد شود [و] دانشمند از جای خود برخیزد و او را بر جای خود بنشانند و کفش او را بردارد و پیش پای او جفت کند، این روش، تواضع نیست، بلکه یک نوع تذلل نکوهیده است» (فیض کاشانی، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ص ۲۷۲).

تواضع والدین در برابر فرزند، مثلاً در پرسیدن روش یک بازی که او آن را به خوبی بلد است، به کودک شخصیت می دهد و او هم از این رفتار الگو می گیرد و چیزی را که نمی داند به راحتی می پرسد. این رفتار رابطه والد-فرزندی را نیز مستحکم می کند؛ به طور مثال، تصور کنید نوجوان از مادر خود بخواهد فیلم های آموزشی کلاس مجازی را برای او دانلود کند و مادر این کار را انجام دهد. بعد بگوید حوصله ندارد و می خواهد با گوشی، بازی برخط انجام دهد و از مادر درخواست کند فیلم ها را ببیند، خلاصه برداری کند و به پاورپوینت تبدیل کند (با این فرض که معلم اجازه کمک گرفتن از والدین را داده باشد) تا او فردا به معلم تحویل دهد. ممکن است مادر دچار تردید شود که آیا باز هم تواضع به خرج دهد و بپذیرد یا اینکه نباید به چنین درخواست هایی تن دهد، چون موجب حقارت او و آسیب رسیدن به جایگاه مادری می شود. این طور که مشخص است فرزند از تواضع و مهربانی مادر سوءاستفاده می کند و پاسخ مثبت دادن مادر، جایگاه مادری او را به حقارت می کشاند.



نتیجه‌گیری

دوره‌ه برادران دروغین در مسئله «والدگری عصر دیجیتال» (به هر دو معنای کنترل-گری مصرف فضای مجازی و مربی‌گری با بهره‌مندی از فضای مجازی) غالباً به دلیل ضعف آگاهی اخلاقی والدین در زمینه شناخت اوصاف و خصلت‌های اخلاقی پدید می‌آید و می‌توان آن را ناشی از ضعف اخلاقی والدین نیز دانست. مهم‌ترین مصادیق دوره‌ه اخلاقی برادران دروغین در مسئله حاضر عبارت‌اند از: استقلال و استبداد رأی، تغافل و وادادگی، اقتدار و قدرت‌نمایی، عزت‌نفس و غرور، و تواضع و حقارت. در این مقاله، ضمن تبیین اصل مسئله ذیل هر یک از موارد، ویژگی‌های آن خصلت اخلاقی شناسایی و با تطبیق بر مصادیق «والدگری عصر دیجیتال» بررسی شده است.



کتاب‌نامه

۱. اباذری فومشی، منصور (۱۳۹۲)، *ترمینولوژی حقوق نوین*، مشهد: انتشارات شهید داریوش نوراللهی.
۲. بهادری خسروشاهی، جعفر و عیسی برقی (۱۳۹۷)، «نقش سواد رسانه‌ای والدین و هویت اجتماعی بر مصرف رسانه‌ای دانش‌آموزان»، *مطالعات رسانه‌های نوین*، دوره ۴، ش ۱۴، ص ۲۸۳-۳۰۸.
۳. پادشاه، محمد (۱۳۳۵)، *فرهنگ آندراج*، تصحیح محمد دبیرسیاقی، تهران: خیام.
۴. تفضلی، احمد (۱۳۷۷)، *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*، چ ۲، تهران: سخن.
۵. توکلی، محمد مهدی (۱۳۹۵)، *نصب داور، احکام و آثار آن*، تهران: میزان.
۶. جواهری، محمدرضا، عباس عبدی و ناهید مشائی (۱۳۹۹)، «معیارهای بینشی حل دوره‌های اخلاقی استقلال و استبداد رأی در داوری براساس منابع دینی»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، دوره ۲۴، ش ۲ (پیاپی ۸۳)، ص ۴۰۱-۴۱۶.
۷. حکیم ترمذی، ابو عبدالله محمد بن علی (۱۴۰۲)، *مرزهای ناشناخته در اخلاق؛ گزیده ترجمه الفروق*، ترجمه حسین صابری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۸۵)، *لغت‌نامه*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.
۹. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۳)، *مفاتیح الغیب*، تصحیح محمد خواجه‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی انجمن اسلامی حکمت و فلسفه.
۱۰. طاهریان، مریم (۱۳۹۶)، «تأثیر مخاطره‌انگیز رسانه‌های اجتماعی بر کودکان و نوجوانان»، *فصل‌نامه روزنامه‌نگاری الکترونیک*، س ۲، ش ۲ (پیاپی ۶)، ص ۳۳-۴۴.
۱۱. علی اکبری، نگین و زینب نصیری زرنندی (۱۳۹۸)، «تأثیر فضای مجازی بر آسیب‌های اجتماعی»، *مجله پیشرفت‌های نوین در روان‌شناسی، علوم تربیتی و آموزش و پرورش*، س ۲، ش ۱۶، ص ۶۳-۷۲.





۱۲. فراهیدی، خلیل (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، چ ۲، قم: هجرت.
۱۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق)، المحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، چ ۴، قم: مؤسسه انتشارات اسلامی جامعه مدرسین.
۱۴. مستقیمی، محمودرضا، منصوره شهریار احمدی و مجتبی امیری مجد (۱۴۰۱)، «نقش والدگری مستبدانه بر مشکلات سلوک با میانجی‌گری رشد قضاوت اخلاقی در نوجوانان پسر مقیم قانون اصلاح و تربیت»، نشریه پرستاری کودکان، دوره ۸، ش ۴، ص ۱-۹.
۱۵. ملکیان، مصطفی (۱۳۹۷)، سخنرانی «اخلاق والدینی یا فرزندپروری»، مشهد: کارگاه فلسفه اخلاق، قانون بعثت اخلاق، در: <https://b-a-m-a.blogspot.com>
۱۶. نراقی، احمد (۱۳۹۲)، معراج السعادة، چ ۵، مشهد: آستان قدس رضوی (به‌نشر).
۱۷. واسطی زبیدی، محب‌الدین سیدمحمد مرتضی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق و تصحیح علی شیری، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
18. Vafaenajar, Ali, Masihabadi, Maryam, Moshki, Mehdi, Ebrahimipour, Hosein, Tehrani, Hadi (2015). "Determining the theory of planned behaviors predictive power on adolescents dependence on computer games". *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, 2(4), p. 303-311.

References

۱. Abazari Fumeshi, Mansour (۲۰۱۲). *Terminology of modern law*. Mashhad: Shahid Dariush Noorollahi Publications.
۲. Aliakbari, Negin and Nasiri Zarandi, Zainab (۲۰۱۸). "The effect of virtual space on social harms". *Journal of New Advances in Psychology, Educational Sciences and Education*, second year, No. ۱۶, p. ۶۳-۷۲.
۳. Bahadori Khosrowshahi, Jafar and Barqi, Isa (۲۰۱۷). "The role of parents' media literacy and social identity on students' media consumption". *Modern Media Studies*, Vol. ۴, No. ۱۴, p. ۲۸۳-۳۰۸.
۴. Dehkoda, Ali Akbar (۲۰۱۰). *Dictionary*. Tehran: University of Tehran, Publishing and Printing Institute.
۵. Farahidi, Khalil (۱۴۰۹AH). *Kitab al-Ain*. second edition. Qom: Hijrat.
۶. Feiz Kashani, Molla Mohsen (۱۴۱۷AH). *al-Mahjat al-Baida fi Tahdhib al-Ehiya*. ۴th edition. Qom: Islamic Publishing House of the Society of Teachers.
۷. Hakim Tirmadhi, Abu Abdullah Muhammad bin Ali (۲۰۲۳). *unknown boundaries in ethics; Excerpt from the translation of al-Farooq*. translated by Hossein Saberi, Mashhad: Islamic Research Foundation.
۸. Javaheri, Mohammadreza, Abdi, Abbas & Mashai, Nahid (۲۰۱۹). "Insightful criteria for solving the two moral ways of independence and tyranny of voting in arbitration based on religious sources". *epistemological studies in Islamic University*, Vol. ۲۴, No. ۲ (۸۳), p. ۴۰۱-۴۱۶.
۹. Malekian, Mustafa (۲۰۱۷). *lecture on parenting ethics or parenting*. Mashhad: Ethical Philosophy Workshop, Ethics Center. In: <https://b-a-m-a.blogspot.com>
۱۰. Mostaghimi, Mahmoudreza, Shahriari Ahmadi, Mansoura & Amiri Majd, Mojtaba (۲۰۲۲). "The role of authoritarian parenting on behavioral problems by mediating the development of moral judgment in adolescent boys living in correctional centers". *Journal of Children's Nursing*, Vol. ۸, No. ۴, p. ۱-۹.
۱۱. Naraghi, Ahmad (۲۰۱۲). *Meraj al-Saadah*. ۲th edition. Mashhad: Astan Quds Razavi (Behnashr).
۱۲. padeshah, Mohammad (۱۹۰۶). *Farhang Annadraj*. Edited by Mohammad Dabirsiaghi. Tehran: Khayyam Publishing.
۱۳. Sadr al-Din Shirazi, Mohammad bin Ibrahim (۱۹۸۴). *Mafatih al-Ghaib*. edited by Mohammad Khajawi. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research of the Islamic Wisdom and Philosophy Association.
۱۴. Tafazoli, Ahmad (۱۹۹۸). *History of Iranian literature before Islam*. second edition, Tehran: Sokhan.
۱۵. Taherian, Maryam (۲۰۱۶). "The dangerous effect of social media on children and teenagers". *Electronic Journalism Quarterly*, second year, No. ۲ (۶), p. ۳۳-۴۴.
۱۶. Tavakoli, Mohammad Mahdi (۲۰۱۰). *The Arbiter's Monument, Its Rules and Works*. Tehran: Mizan.
۱۷. Vafae najar, Ali, Masihabadi, Maryam, Moshki, Mehdi, Ebrahimipour, Hosein, Tehrani, Hadi (۲۰۱۰). "Determining the theory of planned behaviors predictive power on adolescents dependence on computer games". *Iranian Journal of Health Education and Health Promotion*, ۲(۴), p. ۲۰۳-۲۱۱.
۱۸. Waseti Zubaydi, Mohibuddin Seyyed Muhammad Mortaza (۱۴۱۴AH). *Taj al-Arus Men Jawahar al-Qamoos*, scholar and proofreader Ali Shiri, Beirut: Dar al-Fikr Lalprinta va al-Nashar va al-Tuziya.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی